

## فساد اقتصادی و راهکارهای مبارزه با آن در اسلام و رابطه آن با رشد اقتصادی

نفیسه صالح نیا<sup>۱</sup>

محمد رضا لطیفی<sup>۲</sup>

### چکیده

امروزه پدیده فساد توجه بسیاری از جهانیان را به خود جلب کرده است. کشورها با هر سطحی از توسعه تحت تاثیر رسوایی‌های فساد قرار می‌گیرند. مبارزه اثربخش با فساد مستلزم بکارگیری استراتژی‌هایی است که دارای ماهیتی جامع باشند. اما وجود تعارضات میان مصالح گروه‌های مختلف جامعه، مشکلی اساسی در تدوین استراتژی‌های بهینه است. در حالی که نظام ارزش‌های اسلامی به عنوان نظام ارزشی و اعتقادی یکپارچه، همچون چتری فراگیر همه مصالح عمومی، حکومتی، سازمانی و شخصی را دربر گرفته و نوعی انسجام میان این عوامل برقرار می‌کند. در این مقاله پس از ارائه تعاریف مختلف فساد و دلایل ایجاد و گسترش آن، اهمیت مبارزه با این پدیده در اسلام بررسی و راهکارهای ارائه شده در احکام و آموزه‌های اخلاقی و شیوه‌های مبارزه با فساد در حکومت امام علی (ع) بیان گردیده است. در ادامه شاخص فساد کشورهای مختلف با یکدیگر مقایسه گردید که نتایج نشان داد، علی‌رغم تاکید اسلام بر مبارزه با فساد، کشورهای اسلامی در این زمینه جایگاه مناسبی ندارند. این در حالی است که اگر نظام ارزشی - اعتقادی اسلام به عنوان جامع‌ترین استراتژی موجود، در جامعه نهادینه شود و به صورت ارزش مسلط درآمد تمامی مصالح در یک راستا هماهنگ شده و جایی برای گرایش به فساد و تعارضات مخرب باقی نمی‌ماند. بخش پایانی مقاله به بررسی تحقیقات مختلف در زمینه فساد پرداخته است که نشان می‌دهد فساد، رشد اقتصادی را با موانع بسیار مواجه کرده است و بر توسعه اقتصادی اثر منفی دارد. پس برای رسیدن به توسعه ابتدا باید به مقابله جدی با فساد پرداخت.

### واژه‌های کلیدی: فساد اقتصادی، اخلاق اسلامی، رشد اقتصادی، کشورهای اسلامی

#### ۱- مقدمه

تاریخ گویای آن است که فساد پدیده‌ای تازه نیست و به بخشی از جهان محدود نمی‌شود، بلکه بر زندگی همه انسانها سخت اثر می‌گذارد. بنابر شواهد موجود در اواخر سده بیستم، موضوع فساد به عنوان یکی از مسائل فراگیر دهه آخر این قرن، اهمیت بیشتری می‌یابد. زیرا حتی در کشورهای پیشرفته نیز فساد سبب از پا درآمدن دولتها، برکناری دولت مردان برجسته و گاهی جابجایی طبقات سیاسی شده است. حکومت‌ها و دولت‌ها از قرن‌ها پیش با مشکل سوء استفاده کارگزاران دولتی روبه‌رو بوده‌اند. دگرگونی‌های سیاسی، وجود نهادهای دموکراتیک و آزادی مطبوعات در دو قرن اخیر در نقاط مختلف جهان، دولتها را مجبور کرده نسبت به اقدامات و عملکرد خود به مردم جوابگو باشند. در نتیجه این تحولات، تخلفات

nafiseh.salehnia@yahoo.com

۱ کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد  
۲ کارشناس ارشد اقتصاد شهری، دانشگاه هنر اصفهان

اداری از حساسیت بسیار بالایی برخوردار شده و دولتها به خاطر حفظ مشروعیت سیاسی ناچارند به این مساله توجه کنند (شلالوند، ۱۳۷۷).

امروزه بسیاری از کشورها دریافته اند که فساد و تخلف اداری یکی از مهم ترین تهدیدها در جهت ثبات اقتصادی، توسعه و پیشرفت است. از پیامدهای فساد اقتصادی و سیاسی می توان به افزایش شکاف میان طبقات اجتماعی، افزایش بی اعتمادی شهروندان به دولت و به یکدیگر اشاره نمود. در سایه این پدیده این پندار در میان شهروندان گسترش می یابد که کارگزاران دولتی و نخبگان اقتصادی منابع ملی را تاراج می کنند. این دیدگاه منفی درباره دولت، می تواند به بحرانهای سیاسی با پیامدهای خطرناک امنیتی در پهنه ملی و حتی در پهنه گسترده تر منطقه ای و بین المللی بیانجامد.

نظام اداری ما نیز مدتهاست از فساد رنج می برد. برای حذف یا کاهش آن، نیازمند برنامه هایی هستیم تا به کمک آن راههای گوناگون را شناخته و پس از ارزیابی آنها، بهترین راهکارهای مبارزه و کاهش فساد را به مرحله اجرا درآوریم. اما یکی از مشکلات عمده بر سر راه تدوین چنین برنامه هایی، تضاد و تعارض در مصلحت های مختلفی همچون مصالح عمومی، قانونی، فردی، سازمانی و حرفه ای است. این مساله در جوامعی که مصالح چهارگانه در قالب یک نظام اعتقادی و ارزشی واحد قرار ندارد بسیار مشکل آفرین است. اما در جامعه ای اسلامی که حکومتی اسلامی آن را اداره می کند یافتن راه حل ها و پیاده سازی آن تا حد زیادی آسان می گردد زیرا نظام ارزشی اسلام، به عنوان برنامه ای جامع با در نظر گرفتن تمام جوانب زندگی فردی و اجتماعی بشر، به ارائه راهکارهای مناسب در جهت مبارزه با مفاسد اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی پرداخته است. استخراج این راهکارها از آموزه های اسلامی و تدوین برنامه ها بر اساس آن، به دلیل جامع بودن و عملیاتی بودن، می تواند موجب نیل به توسعه و پیشرفت همه جانبه کشورهای اسلامی گردد.

## ۲- مبانی نظری

درباره فساد تعاریف متعددی ارائه شده است که در اینجا به بیان برخی از آنها می پردازیم: بانک جهانی، فساد را بعنوان سوءاستفاده از اداره عمومی برای منافع شخصی تعریف کرده است.

یک دسته بندی از تعاریف موجود درباره فساد به شکل زیر ارائه شده است: (زاهدی، ۱۳۷۹).

۱. تعریف هایی که از نظر بخش عمومی موضوع را مورد بررسی قرار می دهند. این تعریف ها به طور کلی به مفهوم کار دولتی ارتباط پیدا می کنند.

۲. تعریف هایی که از جنبه مالی و پولی به مساله نگاه می کنند. این تعریف ها بر واژه نظریه بازار متکی است.

۳. تعریف هایی که موضوع را از جنبه منافع عمومی مورد مطالعه قرار می دهند. بر این اساس هر اقدامی که توسط کارگزار سازمانی صورت گیرد و به منافع عمومی زیان رساند، رفتار فساد آلود است.

در تعریف سازمان شفافیت بین الملل از فساد آمده: «سوء استفاده از قدرت عمومی به نفع منافع خصوصی؛ به طور مثال پرداخت رشوه به مقامات دولتی، باج گیری در تدارکات عمومی یا اختلاس اموال عمومی» (کافمن و همکاران، ۲۰۰۶).

جی.اس.نای<sup>۳</sup> فساد را رفتاری می داند که به دلیل جاه طلبی های شخصی معرف انحراف از شیوه عادی انجام وظیفه باشد و به صورت تخلف از قوانین و مقررات و انجام دادن اعمالی از قبیل ارتشاء، پارتی بازی و اختلاس تجلی نماید (نای، ۱۹۶۷).

در تعریفی دیگر، تمام شکلهای گوناگون انحراف یا اعمال قدرت شخصی و استفاده نامشروع از مقام و موقعیت شغلی از مصادیق فساد است. (میردال، ۱۹۶۸).

در بررسی های صورت گرفته در زمینه ی فساد اداری، مهمترین دلایل پیدایش فساد اداری بدین شرح عنوان شده است:

۱. اختلاف فاحش میان سطح زندگی کارمندان دولت و سایر شهروندان: می توان توزیع نامناسب درآمد و تفاوت نسبتاً زیاد در سطح زندگی گروه های مختلف مردم را که منجر به ایجاد احساس بی عدالتی در اقشار آسیب پذیرتر می گردد، یکی از مهمترین علل پیدایش فساد اداری معرفی کرد.

۲. روابط خویشاوندی: اعضای خانواده و دوستان کارمند از او انتظار دارند که در مقام انجام امور ایشان، ضوابط و مقررات را نادیده بگیرد.

۳. وسعت دامنه دخالت دولت در اداره امور: فساد پا به پای پیچیدگی دستگاه دولت که وظایف جدید نظارت و مدیریت را نیز بر عهده گرفته، وسعت می یابد.

۴. افراط در وضع قوانین و محدود کردن فعالیت های بخش خصوصی از طریق این قوانین.

۵. عدم حساسیت جامعه به معیارهای اخلاقی: ضعف ارزش های اخلاقی و اعتقادات مذهبی

۶. گسترش شهرنشینی: منجر به افزایش تقاضا برای خدمت دولتی خواهد شد.

۷. تامل و تساهل نسبت به فساد: برخی از دولتها بنا به دلایل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در برخورد با موارد فساد با اغماض رفتار می کنند که این امر فضای امنی برای کارکنان فاسد پدید می آورد (خداداد حسینی و فرهادی نژاد، ۱۳۸۰).

## ۲- فساد اقتصادی و راهکارهای مبارزه با آن در اسلام

با توجه به آنچه گذشت در می یابیم مبارزه با فساد به عنوان یک اصل جدی و کلیدی، برای دولتها مطرح است و جوامع برای دستیابی به رشد باید به مقابله جدی با فساد در همه ابعاد بپردازند. از آنجا که اصلی ترین هدفی که پیامبر اسلام برای آن برانگیخته شده، تربیت و هدایت انسان و رساندن وی به جوار قرب الهی است، احکام اسلام با تقویت ارزشهای معنوی افراد و با کنترل افرادی که وظیفه اجرایی از طرف دولت دارند از فساد جلوگیری می کند. بر این اساس، دولت اسلامی باید با وضع قوانین و مدیریت و اعمال رویه های قضایی، حقوقی و اداری و فرهنگی و اجتماعی و اخلاقی، گامهای مثبتی در این باره بر حسب مصالح و سیاستها و اهداف مورد نظر خود بردارد.

اسلام، ادای مسئولیتهای اجتماعی و مبارزه با فساد حاکم بر جامعه را در سه مرحله خلاصه می کند:

پیکار منفی: این نوع مبارزه در روایات اسلامی با عنوان «انکار قلبی» آمده است. امیر مؤمنان (ع) می

فرماید: «کمترین درجه ی نهی از منکر، این است که با گنهکاران، با چهره ی گرفته، برخورد کنی»

<sup>3</sup> J.S.Nye

پیکار تبلیغاتی: در روایات اسلامی از مبارزه‌ی تبلیغاتی با فساد، به «انکار زبانی» تعبیر شده است. بیشتر آیات و روایات امر به معروف و نهی از منکر، ناظر به این نوع مبارزه اند.

پیکار نظامی: از نوع سوم مبارزه، در روایات اسلامی، به «انکار با شمشیر» یا «انکار با دست» تعبیر شده است و این، همان پیکار نظامی، بالاترین مرحله‌ی نهی از منکر و راه اساسی برای ریشه کن کردن فساد از جامعه است.

مهم‌ترین اصل در کاهش مفسد مالی که از عوامل بیرونی به شمار می‌رود وجود مراجع نظارتی قوی در جامعه است. در جوامع اسلامی سه مرجع نظارتی وجود دارد:

الف. نظارت خداوند: قرآن می‌فرماید: «أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى»؛ «آیا نمی‌دانید خداوند اعمال شما را می‌بیند؟».

ب. نظارت حکومت: منظور از نظارت دولت فقط نظارت مستقیم نیست؛ بلکه نظارت بر تمام ارکان جامعه به طور غیر مستقیم می‌تواند وجود داشته باشد.

ج. نظارت همگانی: مردم، بهترین ناظر در جهت انجام درست امور هستند.

### ۳-۱. اخلاق اقتصادی اسلام و مبارزه با فساد

در نظام اقتصادی اسلام، رفتار انسان‌ها در چارچوب قواعد اخلاقی ارزش‌گذاری می‌شود. مکتب اقتصادی اسلام، دارای مبانی جهان‌بینی و انسان‌شناختی کاملاً متفاوت از دیگر مکتب‌هاست که پیوند اخلاق را با اقتصاد اجتناب‌ناپذیر می‌داند.

در این دیدگاه، خداوند، محور و کانون عالم هستی، و انسان، جانشین خداست و طبیعت با تمام ثروتها و امکاناتش به عنوان «امانت» در اختیار او قرار گرفته و موظف است، فعالیت‌های اقتصادی خود را در چارچوب احکام و ارزشهای الهی به سامان رساند. دو بعدی بودن انسان از مهم‌ترین اصولی است که ارتباط «اخلاق» را با «اقتصاد» الزامی می‌سازد؛ زیرا از دیدگاه قرآن، سرشت آدمی در بُعد مادی، از «خاک تیره» و در بُعد معنوی، از «روح الهی» است؛ از این رو، تکامل او نیز در گرو رشد مطلوب هر دو بُعد می‌باشد. نادیده‌انگاشتن بُعد معنوی و روحی، آن‌گونه که محصول مبانی مکتب سرمایه‌داری است، «انسان اقتصادی مطرود» از دیدگاه اسلام را شکل می‌دهد. برخی از ویژگیهای چنین انسانی این‌گونه است:

۱. پیوسته، سود مادی خویش را بر منافع دیگران ترجیح می‌دهد؛ «و کان الإنسان قتورا»

۲. نمی‌تواند یا نمی‌خواهد منافع واقعی و درازمدت خویش را در نظر گیرد: «بل تحبّون العاجلة» و تدرّون الآخرة».

۳. سخت شیفته مال و ثروت است: «و إنّه لحبّ الخیر لشدید».

۴. کم‌ظرفیت و کم‌طاقت است؛ «إنّ الإنسان خلق هلوعاً؛ إذا مسّه الشرّ جزوعاً؛ و إذا مسّه الخیر منوعاً».

۵. در صورت توانگری، سرکشی می‌کند: «إنّ الإنسان لیطغی؛ أن رأه استغنی».

۶. بر خود می‌بالد و بر دیگران فخر می‌فروشد: «إنّه لفرح فخور».

از دیدگاه اسلام، ویژگیهای «انسان اقتصادی مطلوب» که در مقابل انسان اقتصادی مطرود قرار دارد، چنین است:

۱. با منافع دیگران هماهنگ بوده و حتی در موارد لازم، آن را بر منفعت شخصی خودش مقدم می‌دارد: «و یؤثرون علی أنفسهم و لو کان بهم خصاصة»
  ۲. دلداده و وابسته به ثروتش نیست، بلکه آن را در مسیر رضایت الهی: «ینفقون أموالهم ابتغاء مرضات الله» و خدمت به نیازمندان: «و فی أموالهم حقّ للسائل و المحروم» به کار می‌گیرد.
  ۳. متین و خویشتن دار است. در برابر نابسامانیهای اقتصادی و مشکلات زندگی، شکیبایی می‌ورزد: «و الصابرين علی ما أصابهم» و هنگام رفاه و آسایش، طغیان نمی‌کند «إنّ له لفرح فخور\* إلاّ الذین صبروا و عملوا الصالحات»
  ۴. آینده نگر و دارای بینشی عمیق است؛ از این رو، دارایی خویش را وسیله ای برای نیل به منافع درازمدت و سود و لذت پایدار قرار می‌دهد: «إنّ الذین یتلون کتاب الله و أقاموا الصلاة و أنفقوا ممّا رزقناهم سرّاً و علانیةً یرجون تجارةً لن تبور\* لیوفّیهم أجورهم و یزیدهم من فضله».
- بدیهی است در چنین نظامی انگیزه ای برای فساد وجود ندارد و انسان اقتصادی اسلام از نوعی خود کنترلی که عامل مهمی برای مبارزه با فساد است برخوردار خواهد بود.

۲-۳. برخی آموزه های اخلاقی و قوانین اسلام در حوزه عمل اقتصادی در این بخش قسمتی از تعالیم اخلاقی اسلام مطرح می‌شود که به طور مستقیم به عملکرد کارگزاران در بخشهای گوناگون اقتصاد مربوط می‌شود.

۱. تعالیم عام که در تمامی حوزه ها یا بیشتر آنها کاربرد دارد موارد برجسته تر این تعالیم عبارتند از:  
الف) عدل و انصاف: عدالت از آموزه های بسیار فراگیر اسلام است. عدالت شعب زیادی دارد، یکی از آن شعب رعایت انصاف است که از دقیق ترین معیارها برای تنظیم روابط فردی و اجتماعی می باشد. عدالت قبل از تولید مرادف با تساوی می باشد. اما عدالت پس از تولید یعنی عدالت توزیعی (عدالت در توزیع درآمد)، به معنای این است که حق هر کس به او داده شود. اما انصاف اقتضا می کند اگر توانائی مالی او بیشتر از نیاز اوست قسمتی را صرف تأمین سائلان و محرومان نماید. از این رو قرآن کریم فرموده: «و فی أموالهم حقّ معلومٌ للسائل و المحروم». در مورد تجارت هم، حضرت امیر(ع) فرمودند: «لازم است مبادله آسان باشد و با موازین عدل صورت پذیرد به گونه ای که به دو گروه خریدار و فروشنده اجحاف و ظلم نشود».
- ب) ایثار و احسان: این دو از عدل و انصاف بالاترند. احسان یعنی اینکه با دیگران بهتر از آن رفتار کنیم که دوست داریم با ما رفتار نمایند و ایثار به معنای این است که امکاناتی که به آن نیاز داریم در اختیار دیگران قرار دهیم. عدالت و احسان دستور صریح خداوند است: «إن الله یأمر بالعدل والاحسان».

۲. برخی تعالیم اختصاصی بخشهای مختلف:  
عناصر اخلاقی کار و تولید در آموزه های دینی بسیار گسترده است. از آنجا که اخلاقیات به نحو تنگاتنگی با زندگی کاری مرتبطند، تحقق عینی این عناصر، زمینه ساز گسترش و بهینه سازی فعالیتهای تولیدی، جهت دهی به فعالیتها و سرمایه گذاریها، سالم سازی و کاهش فساد و در نتیجه دستیابی به رشد اقتصادی است. برخی از مهم ترین این عناصر چنین است:  
هدفمندی و انگیزه سالم: در نگرش اسلام، هدف نهایی انسان، تکامل در پرتو نیل به قرب الهی است؛ از این رو، هدف نهایی نظام اقتصادی اسلام، فراهم کردن زمینه های لازم برای دستیابی افراد به کمال مطلوب

است. «انجام دادن وظایف عبادی»، «تأمین نیازهای زندگی و رسیدن به رفاه نسبی»، «خودکفایی و اقتدار جامعه»، و «مشارکت در خدمات اجتماعی» از مهم ترین اهداف فرد مسلمان در کار و تولید است.

#### وجدان کاری

«وجدان کاری» به معنای «گرایش به انجام دادن صحیح کار و وظایف شغلی، بدون نظارت مستقیم» است که از نشانه های آن، انجام کار بیشتر و بهتر، کنترل درونی و مسئولیت پذیری است. عواملی چند بر ایجاد و تقویت وجدان کاری مؤثر است که در متون دینی، مورد توجه و تأکید قرار گرفته است؛ «اصلاح نگرش»، «رضایتمندی از کار»، «آموزش و الگوسازی»، «تقویت احساس مسئولیت» از این عوامل است.

#### تخصص و تعهد

«تخصص و تعهد»، دو ویژگی اساسی نیروی کار و مدیریت است که در آموزه های دینی، به شدت مورد تأکید است. «إنّ خیر من استأجرت القویّ الامین»؛ «قال اجعلنی علی خزائن الأرض إنّی حفیظ علیم». در بینش اقتصادی اسلام، «متعهد غیر متخصص» در ردیف «متخصص خائن» قرار می گیرد.

#### انضباط کاری

نظم و انضباط و مدیریت زمان، از مهم ترین عوامل بهره برداری بهینه از سرمایه هاست؛ از این رو، علاوه بر تأکید بر رعایت نظم، شاخصه های انضباط در فعالیت های اقتصادی نیز مورد تأکید است. برخی از آنها عبارت است از: «تقسیم وقت»، «تقسیم کار بر اساس توانمندیها و تخصص افراد»، «رعایت میانه روی در کار با پرهیز از سستی یا حرص و آزمندی» و «رعایت میانه روی به هدف پاسداشت سلامت جسمی و روحی و رسیدگی به سایر وظایف».

#### ۳-۳. برخی اقدامات عملی امام علی (ع) در مبارزه با فساد:

الف) موضوعات مربوط به خودکنترلی از قبیل: تأکید بر شایسته سالاری؛ تأکید بر اصل تقوا و معنویت، تأکید بر تعهد و مسئولیت پذیری، تأکید بر خدامحوری در کارها، تأکید بر اصل نظارت الهی، تأکید بر اصل نظارت مردمی، تأکید بر کرامت انسانها، تأکید بر جمع گرایی، تأکید بر فرهنگ سازی، تأکید بر فضا سازی مناسب، تأکید بر مراقبه و محاسبه در کارها، تأکید بر اصل ایمان به قیامت و آثار و نتایج اعمال، تأکید بر تقویت باورهای الهی، تأکید بر مبارزه با مفسد اخلاقی، تربیتی و روحی و تأکید بر ارائه الگوهای کارآمد،

ب) موضوعات مربوط به نظارت و کنترل دقیق بر عملکرد کارگزاران از طریق: بازرسی و کنترل به صورت سازمان یافته، بازرسی و کنترل به صورت موردی و با بازرسان ویژه، بازرسی و کنترل توسط افراد دیگر (اشخاص متعهد) و گزارشهای مردمی، بازرسی و کنترل توسط مردم، تأکید بر اصل شفافیت و پاسخگویی، تأکید بر اصل نظارت و اقتدار قضایی، تأکید بر اصل پیشگیری، تأکید بر برخورد با ریشه فساد و تأکید بر اصل الگوسازی و ارائه اسوه های کارآمد و نقش رهبری شایسته در جامعه اسلامی.

ج) اقدامات عملی و برنامه اصلاحات مانند: برکناری و عزل کارگزاران، عزم بر استرداد اموال غارت شده از بیت المال، قاطعیت در اجرای حدود الهی، برنامه جدی برای اجرای عدالت، برنامه جدی برای مساوات در اجرای قوانین، برنامه جدی در بهره برداری مساوی از بیت المال، الغای امتیازات نابجای گذشته، مبارزه با

بدعتها و تحریفها و انحرافها، ایجاد فرصتهای برابر برای همه، آموزش و هدایت صحیح منابع و استعدادهای انسانی جهت خیر و صلاح، زمینه سازی برای رشد و پویایی جامعه، تدبیر حکیمانه امت در جهت رشد و بالندگی.

#### ۴. مقایسه وضعیت شاخص فساد در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی

در این بخش، به منظور نشان دادن وضعیت فساد در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، در قالب دو جدول به بررسی شاخص فساد اندازه گیری شده توسط سازمان بین المللی شفاف سازی برای ۱۸۰ کشور جهان در سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ می پردازیم. این شاخص اعداد بین ۱۰ - ۰ را در برمی گیرد. عدد ۱۰ یعنی در کشور مورد نظر فساد وجود ندارد و عدد ۰ یعنی فساد در آن کشور بیداد می کند. جدول ۱ شاخص فساد کشورهای اسلامی (عضو سازمان کنفرانس اسلامی) را برای سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ نشان می دهد. با دقت در این جدول درمی یابیم که کشورهای اسلامی از نظر فساد جایگاه مناسبی در جهان ندارند. در این میان قطر و امارات با رتبه ۲۷ بهترین و افغانستان و سومالی با رتبه ۱۷۴ بدترین جایگاه را دارند. مشاهده تغییرات رتبه برای ۵۶ کشور اسلامی مورد نظر، بدتر شدن رتبه برای ۲۳ کشور و بهبود این شاخص برای ۳۳ کشور در سال ۲۰۱۲ نسبت ۲۰۱۱ را نشان می دهد.

جدول ۱. مقایسه شاخص فساد در کشورهای اسلامی (عضو کنفرانس اسلامی) ۲۰۱۲ - ۲۰۰۸

کشور	رتبه جهانی ۲۰۱۱	رتبه جهانی ۲۰۱۲	فساد (از ۱۰)	تغییرات رتبه از ۲۰۱۱ به ۲۰۱۲	کشور	رتبه جهانی ۲۰۱۱	رتبه جهانی ۲۰۱۲	فساد (از ۱۰)	تغییرات رتبه از ۲۰۱۱ به ۲۰۱۲
قطر	۲۲	۲۷	۶٫۸	-۵	موزامبیک	۱۲۰	۱۲۳	۳٫۱	-۳
امارات	۲۸	۲۷	۶٫۸	۱	موریتانی	۱۴۳	۱۲۳	۳٫۱	۲۰
برونئی و دارالاسلام	۴۴	۴۶	۵٫۵	-۲	سیرالئون	۱۳۴	۱۲۳	۳٫۱	۱۱
بحرین	۴۶	۵۳	۵٫۱	-۷	لبنان	۱۳۴	۱۲۸	۳	۶
مالزی	۶۰	۵۴	۴٫۹	۶	توگو	۱۴۳	۱۲۸	۳	۱۵
ترکیه	۶۱	۵۴	۴٫۹	۷	ساحل عاج	۱۵۴	۱۳۰	۲٫۹	۲۴
اردن	۵۶	۵۸	۴٫۸	-۲	اوگاندا	۱۴۳	۱۳۰	۲٫۹	۱۳
عمان	۵۰	۶۱	۴٫۷	-۱۱	کومور	۱۴۳	۱۳۳	۲٫۸	۱۰
کویت	۵۴	۶۶	۴٫۴	-۱۲	قزاقستان	۱۲۰	۱۳۳	۲٫۸	-۱۳
عربستان	۵۷	۶۶	۴٫۴	-۹	ایران	۱۲۰	۱۳۳	۲٫۸	-۱۳
بوسنی و هرزگوین	۹۱	۷۲	۴٫۲	۱۹	آذربایجان	۱۴۳	۱۳۹	۲٫۷	۴
تونس	۷۳	۷۵	۴٫۱	-۲	نیجریه	۱۴۳	۱۳۹	۲٫۷	۴
بورکینافاسو	۱۰۰	۸۳	۳٫۸	۱۷	پاکستان	۱۳۴	۱۳۹	۲٫۷	-۵
مراکش	۸۰	۸۸	۳٫۷	-۸	سوریه	۱۲۹	۱۴۴	۲٫۶	-۱۵
سورینام	۱۰۰	۸۸	۳٫۷	۱۲	بنگلادش	۱۲۰	۱۴۴	۲٫۶	-۲۴
سنگال	۱۱۲	۹۴	۳٫۶	۱۸	کامرون	۱۳۴	۱۴۴	۲٫۶	-۱۰
جیبوتی	۱۰۰	۹۴	۳٫۶	۶	گینه بیسائو	۱۵۴	۱۵۰	۲٫۵	۴
بنین	۱۰۰	۹۴	۳٫۶	۶	قرقیزستان	۱۶۴	۱۵۴	۲٫۴	۱۰
گابن	۱۰۰	۱۰۲	۳٫۵	-۲	یمن	۱۶۴	۱۵۶	۲٫۳	۸
تانزانیا	۱۰۰	۱۰۲	۳٫۵	-۲	تاجیکستان	۱۵۲	۱۵۷	۲٫۲	-۵
الجزیره	۱۱۲	۱۰۵	۳٫۴	۷	لیبی	۱۶۸	۱۶۰	۲٫۱	۸
مالی	۱۱۸	۱۰۵	۳٫۴	۱۳	چاد	۱۶۸	۱۶۵	۱٫۹	۳
گامبیا	۷۷	۱۰۵	۳٫۴	-۲۸	عراق	۱۷۵	۱۶۹	۱٫۸	۶
نیجر	۱۳۴	۱۱۳	۳٫۳	۲۱	ترکمنستان	۱۷۷	۱۷۰	۱٫۷	۷
اتیوپی	۱۲۰	۱۱۳	۳٫۳	۷	ازبکستان	۱۷۷	۱۷۰	۱٫۷	۷
الیانی	۹۵	۱۱۳	۳٫۳	-۱۸	سودان	۱۷۷	۱۷۳	۱٫۳	۴

۶	۰.۸	۱۷۴	۱۸۰	افغانستان	-۶	۳,۲	۱۱۸	۱۱۲	مصر
۸	۰.۸	۱۷۴	۱۸۲	سومالی	-۱۸	۳,۲	۱۱۸	۱۰۰	اندونزی

جدول ۲ شاخص فساد در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی را نشان می دهد. بر این اساس و نیوزیلند، دانمارک و فنلاند با رتبه ۱ بهترین جایگاه در جهان و ایتالیا با رتبه ۷۲ بدترین وضعیت در میان این کشورها را دارد. بیشترین تنزل رتبه در این میان مربوط به کشور ایرلند با ۶ پله سقوط در سال ۲۰۱۲ نسبت به ۲۰۱۱ می باشد.

مقایسه ۲ جدول نشان می دهد فاصله میان دو گروه کشور مورد بررسی از نظر فساد زیاد است و کشورهای اسلامی از این نظر وضعیت نامناسبی دارند.

جدول ۲. شاخص فساد در کشورهای عضو سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه [۱۵]

کشور	رتبه ۲۰۱۱	رتبه ۲۰۱۲	فساد (از ۱۰)	تغییرات رتبه از ۲۰۱۱-۲۰۱۲	کشور	رتبه ۲۰۱۱	رتبه ۲۰۱۲	فساد (از ۱۰)	تغییرات رتبه از ۲۰۱۱-۲۰۱۲
نیوزیلند	۱	۱	۹	۰	لوکزامبورگ	۱۱	۱۲	۸	-۱
دانمارک	۲	۱	۹	۱	آلمان	۱۴	۱۳	۷,۹	۱
فنلاند	۲	۱	۹	۱	بلژیک	۱۹	۱۶	۷,۵	۳
سوئد	۴	۴	۸,۸	۰	ژاپن	۱۴	۱۷	۷,۴	-۳
سوئیس	۸	۶	۸,۶	۲	آمریکا	۲۴	۱۹	۷,۳	۵
نروژ	۶	۷	۸,۵	-۱	فرانسه	۲۵	۲۲	۷,۱	۳
استرالیا	۸	۷	۸,۵	۱	ایرلند	۱۹	۲۵	۶,۹	-۶
اتریش	۱۶	۷	۸,۵	۱	اسپانیا	۳۱	۳۰	۶,۵	۱
هلند	۷	۹	۸,۴	-۲	پرتغال	۳۲	۳۳	۶,۳	-۱
کانادا	۱۰	۹	۸,۴	۱	ایتالیا	۶۹	۷۲	۴,۲	-۳
ایسلند	۱۳	۱۱	۸,۲	۲					

## ۵. رابطه فساد و رشد اقتصادی

نگاهی بر سابقه مطالعات مرتبط با علل رشد اقتصادی نشان می دهد که به سرمایه گذاری و انباشت ثروت به عنوان یکی از مؤلفه های اثرگذار در متون و ادبیات اولیه رشد اشاره شده است. مطالعاتی نیز بر جذب سرمایه های خارجی و همگرایی های بین المللی و منطقه ای به عنوان عوامل مهم رشد اقتصادی کشورها متمرکز گردیده اند. مدل های شکل گرفته برای تبیین علل رشد از نقش سرمایه و نیروی کار به عنوان مهم ترین عوامل رشد آغاز شده و بتدریج طی مطالعاتی با ورود عوامل دیگر همچون تغییرات جمعیتی، سرمایه اجتماعی، بهداشت، رانت و فساد و ... کاملتر شده اند.

نتیجه تحقیقات مائورو<sup>۴</sup>، آدز و تلا<sup>۵</sup>، تانزی و داوودی<sup>۶</sup> و عابد و داوودی<sup>۷</sup> بیانگر ارتباط منفی میان رشد GDP و فساد اداری است. بررسی مو<sup>۸</sup> در مورد ارتباط میان فساد و رشد اقتصادی نیز نشان می دهد هر یک

<sup>4</sup> Maura

<sup>5</sup> Ades & Tella

<sup>6</sup> Tanzi & Davoodi

<sup>7</sup> Abed & Davoodi

<sup>8</sup> Mo

<sup>9</sup> Marhubi



درصد افزایش در سطح فساد، رشد اقتصادی را حدود ۰/۷۲ درصد کاهش خواهد داد. بررسی اثر فساد بر سرمایه گذاری خارجی مستقیم نیز فساد را به عنوان عاملی بازدارنده و ترساننده برای سرمایه گذاران خارجی معرفی کرده است (دربک و پاینه، ۱۹۹۹). فساد هم چنین از طریق ایجاد بی ثباتی، کاهش بهره وری و رشد اقتصادی موجب بی ثباتی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می شود (وی، ۲۰۰۱). در اکثر موارد فساد موجب افزایش هزینه مبادله شده و بر حجم تجارت اثر می گذارد (اندرسون، ۲۰۰۰) به عبارت دیگر، فساد هزینه های اضافی به جامعه تحمیل می کند (اندرسون و مارکوئیلر، ۲۰۰۲). موجب اختلال در مکانیزم بازار می شود. (استیونسون، ۲۰۰۳). مروهوبی<sup>۹</sup> رابطه مثبتی میان تورم و فساد یافت. گوپتا، داوودی و ترمی ۱۰ نیز دریافتند که سطوح بالای فساد از طریق کاهش رشد اقتصادی موجب افزایش نابرابری درآمد و فقر می شود.

## ۶- نتیجه گیری

رشد اقتصادی همواره یکی از شاخص های مهم توسعه محسوب می شود و با توجه به هدف گذاری اکثر کشورها به سمت بهبود و ارتقای سطح رفاه جامعه، مطالعات متعددی در خصوص مدل های رشد اقتصادی طی دهه های گذشته و اخیر انجام شده است. مطالعات زیادی در زمینه رابطه متغیرهای کلان اقتصاد با فساد انجام شده و در بیشتر موارد از فساد به عنوان مانعی جدی در مسیر توسعه اقتصادی کشورها یاد شده است. در جهان امروز، فساد و تخلفات اداری از حساسیت بسیار بالایی برخوردار شده و دولتها به خاطر حفظ مشروعیت سیاسی ناچارند به این مساله توجه نموده و برای مبارزه با آن به طوری جدی اقدام کنند. مبارزه اثر بخش با فساد مستلزم به کارگیری استراتژی هایی است که دارای ماهیتی جامع باشند. در مبارزه با فساد علاوه بر اصلاحات سازمانی و نهادی، نیاز به مجموعه ای عمیق و اصیل از ارزشهای اخلاقی است. فرهنگی که فقط در پی تکاثر باشد برای رشد علف هرز فساد، بستر مناسبی است و این امر تمدن را به سوی بحران اخلاقی می کشاند که فقط به یاری تعلیم و تربیت و باورهای اخلاقی و دینی می توان از آن نجات یافت. یکی از مشکلات عمده بر سر راه تدوین استراتژی، تضاد و تعارض در مصلحت های مختلفی همچون مصالح عمومی، قانونی، فردی، سازمانی و حرفه ای است. وجود نظام ارزشی و اعتقادی یک پارچه، مانند نظام ارزشهای اسلامی، هم چون چتری فراگیر همه مصالح عمومی، حکومتی، سازمانی و شخصی را دربر گرفته و نوعی وحدت، انسجام و هماهنگی میان این عوامل برقرار می کند و هیچ گونه ناسازگاری و تعارضی در جامعه بروز نمی کند. لذا هرگاه نظام ارزشی - اعتقادی در جامعه نهادینه شود و به صورت ارزش مسلط و غالب درآید تمامی مصالح را در یک راستا و هماهنگ خواهد کرد. در نتیجه ی بررسی آموزه های اسلام راهکارهای زیر برای مبارزه با فساد پیشنهاد می گردد:

- اصل پیشگیری و تأکید بر آن،
- آموزش عمومی برای مبارزه با فساد،
- تأکید بر حاکمیت نظم و انضباط و قانون،
- استفاده از عناصر کارآمد و متخصص در زمینه مبارزه با فساد در سیستم اداری،
- اصلاح سیستمها و روشها و شفافیت قوانین و مقررات ضد فساد،

- تأکید بر مبانی اخلاقی و تربیتی و اصالت‌های خانوادگی،
- ساده زیستی و سلامت رهبران و الگو بودن مدیران،
- عزم و اراده عمومی و جدی برای مبارزه با فساد،
- استاندارد کردن شغلها و کارها و مسؤولیتها،
- حسابرسی و حسابکشی و تأکید بر دو اصل محاسبه و مراقبه،
- ضرورت مرزبندی کامل و روشن حقوقی و قضایی و اداری و تشکیلاتی،
- مبارزه با دیوانسالاری و بوروکراسی اداری و اصلاح ساختار اداری و تشکیلاتی و کوچک کردن حجم دولت و به جای رشد و افزایش کمی دولت و دستگاههای وابسته، تأکید بر رشد کیفی و افزایش کارایی،
- گسترش عدالت اداری و تأمین امنیت شغلی کارمندان و تأمین معیشت و رفاه و آینده کارکنان بخش عمومی،
- برخورد با تخلفات و متخلفان و فساد به صورت فراگیر و فراجناحی، به عنوان پدیده ای ضد امنیتی که حاکمیت ملی را تهدید می کند،
- لزوم پاسخگویی به مردم از سوی مسؤولان و مجموعه دولت
- ارتقای فرهنگ عمومی و رشد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه و مردم و تقویت روح و فرهنگ مبارزه با فساد و آگاهی نسبت به حدود و حقوق اجتماعی افراد و جناحها و اقشار گوناگون جامعه و افزایش مشارکت عمومی و رقابت سالم
- حکومت دینی افزون بر تأکید برگسترش و تقویت عوامل درونی و تقویت باورهای عمومی، به هیچ وجه مردم و جامعه را رها نکرده، به عوامل بیرونی نیز توجه دارد و با روش ها و ابزارهای بسیاری به مقابله با عاملان فاسد و محیط ناسالم بر می خیزد؛ بنابراین، اگر شاهد بروز و شیوع مفاسد مالی در نظام های اسلامی هستیم، به حتم این مسأله از تمایل و ترغیب دین به امر ارتکاب اعمال فاسد حاکی نیست؛ بلکه دین از این مسائل مبرا است. این مردم، حکومت و جامعه است که با دوری از دستورهای دینی و ارزش های اسلامی، مرتکب فعالیت های فاسد می شوند و جامعه را فاسد جلوه می دهند.

## فهرست مراجع

- الوانی، سید مهدی. (۱۳۷۹). "منشور اخلاقیات سازمانی در کلام مولا علی (ع)". مدیریت دولتی. شماره ۴۸ و ۴۹.
- ایروانی، جواد. (۱۳۸۳). "اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث". مجله الهیات و حقوق، شماره ۱۴.
- خدادادحسینی، سیدحمید و فرهادی نژاد، محسن. (۱۳۸۰)، "بررسی فساد اداری و روش های کنترل آن". مدرس، دوره ۵، شماره ۱.
- دادگر، یدالله و نظری، روح الله. "بررسی شاخصهای فساد مالی در ایران و کشورهای برگزیده جهان". سیمای اقتصادی، شماره ۲۶۴-۲۶۳.
- دادبه، اصغر. (۱۳۷۰). کلیات فلسفه، تهران: دانشگاه پیام نور.
- زاهدی، شمس الدین. (۱۳۷۹). مدیریت فراملیتی و جهانی؛ نگرش تطبیقی. تهران: انتشارات سمت.
- شلوند، عبدالعلی. (۱۳۸۶). "اختلاس و فساد اداری، آفت توسعه (تاملی ریشه نگر در موج جهانی مبارزه با فساد و اختلاس)". مجلس و پژوهش.

علیزاده ثانی، محسن و فانی، علی اصغر. (۱۳۸۶)، "تاثیر فساد بر توسعه انسانی". فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، شماره های ۱ و ۲.

فرج پور، مجید. (۱۳۸۳). موانع توسعه در ایران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

Ades A, di tella R. (1997). The New Results, Political Studies; 45: 496-515.

Abed G, Davoodi H. Corruption, Structural Reforms and Economic Performance in the Transition Economies, IMF Working Paper 2000; No.132. Washington: International Monetary Fund.

Anderson J (2000) Why do Nation Trade So Little?, Pacific Economic Review, 5,2.PP.115-134

Anderson J, and Marcouiller (2002) Insecurity and Pptern of Trade: an Empirical Investigation, review of Economic Statistics,84,2,PP.324-352.

Drabek Z, Payne W.(1999). The Impact of transparency on Foreign Direct Investment, Staff Working Paper; World Trade Organization, Economic, Research and Analysis Division.

Kaufmann, D., Arat, K, & Massiomo, M. (2006).Measuring Governance Using Cross Country Perceptions Data. The World Bank.

Mo P H,(2001). Corruption and Economic Growth, Journal of Comparative Economics; 29: 66-79.

Marhubi FA. (2000). Corruption and Inflation , Economics Letters;66: 199-202

Gupta s, Davoodi H, Alonso-Terme R.(1998). Does Corruption Affect Inequality and Poverty? IMF Working Paper; No.79. Washington: International Monetary Fund.

Mauro P.( 1996). Corruption and Growth, Quarterly journal of Economics; 110(3).

Myrdall, Gunnar (1968), Asian Drama, New York, Pantheon,

Nye, js (1976) Corruption and political development: A Cost Benefit Analysis, American political science Review,

Tanzi V, Davoodi H. (2000). Corruption, Growth and Public Finances, IMF Working Paper; No.116. Washington: International Monetary Fund.

Transparency International, 2012. Web:[http:// www.transparency.org](http://www.transparency.org)